

چند روز پیش اتفاق جالبی برای من افتاد که دوست دارم آن **انرژی مثبت** و حس خوب را با شما عزیزان هم به اشتراک بگذارم و یک نتیجه گیری عالی از این اتفاق بگیریم. در یکی از روزها تصمیم گرفتم برای همکاری به شرکت یکی از دوستانم بروم و بدون هماهنگی رفتم نزدیک شرکت که رسیدم گفتم بگذار یک تماسی بگیریم و هماهنگ کنم دوستم گفت من امروز دفتر نیستم

من هم که کمی حالم گرفته شده بود تصمیم گرفتم که حالا که تا اینجا آمده ام یکی از کارهای کم اهمیت را انجام بدهم، وارد شرکت دیگری شدم و کارم انجام دادم و وقتی که برگشتم دیدم که دو پیرمرد عزیز تصادف کرده اند، خدا رو شکر اتفاق خاصی هم نیفتاده بود ولی مشاجره ای بین آنها ایجاد شده بود که مجبور شدم وارد صحنه بشوم و طرفین دعوا را آرام کردم و با این که اصلاً مقصر نبودم از طرفین دعوا عذرخواهی کردم و حس و حال آن ها رو از حالت دعوا و مشاجره خارج کردم.

یک پیرمردی که شاهد کل داستان بود گفت خدا خیرت بده جوان و من هم خوشحال شدم که توانستم این چنین حرکت مثبت کوانتومی را انجام بدهم. کسبه و اطرافیان هم این حرکت مثبت را دیدند. در واقع ما به واسطه استرس ها و مشکلاتی که برایمان پیش آمده است از کوک در رفته ایم و آهنگ ناموزون می زنیم، حالمان بد است

من به دنبال همچنین فرصت هایی می گردم که با ایجاد حال خوب در دیگران، خودم هم حال خوبی پیدا کنم. وقتی از آن صحنه تصادف و مشاجره دور شدم و حال خوبی را در طرفین دعوا ایجاد کردم و **انرژی مثبت** به آن ها دادم و همه چیز ختم به خیر شد، حس و حال خوبی در من ایجاد شد که خدا را بابت آن شکر کردم

من در مقابل آن دو نفر که حال بدی داشتند تعظیم کردم و از هر دو آن ها عذرخواهی کردم. در لحظه خداوند را در وجود خودم درک کردم. ببایم در مقابل تمام آدم هایی که کوک شان در رفته است تعظیم کنیم و احترام بگذاریم چون ما به عنوان جانشین خداوند دارای گوهر گرانبهایی در وجود مان هستیم

بارها اتفاق افتاده است که در ترافیک ها دوستانی می خواستند سریعاً سبقت بگیرند و انتظار مشاجره داشتند ولی من به آن ها احترام گذاشته ام و چون در رانندگی عجله نمی کنم و بیشتر سعی می کنم آرامش خودم را حفظ کنم ولی بعضی از دوستان خیلی ها اعصابشان خورد است خیلی ها عجله دارند، خیلی ها تند رانندگی می کنند و مشاجره هایی پیش می آید و خود من در این موقعیت ها با یک عذرخواهی با یک احترام گذاشتن، عشق و **انرژی مثبت** را به دیگران انتقال می دهم و حال خودم را خوب می کنم و نمی گذارم حال بد دیگران روی من اثر بگذارد

ما می توانیم به واسطه **انرژی مثبت** و چرخش کوانتومی حال خود و دیگران را خوب کنیم. البته قصد تعریف کردن این اتفاق منیت و غرور و دریافت ستایش دیگران نیست که من چه انسان خوبی هستم. قصد من این است که ما می توانیم با من الهی وجود نازنین مان و با انرژی مثبت که در دیگران ایجاد می کنیم قادر هستیم چه کارهای بزرگی را انجام دهیم

ما می توانیم با ارسال ارتعاش انرژی مثبت و عشق الهی به جهان هستی اسرار کوانتومی اشرف مخلوقات را در وجود خودمان بیدار و بیدارتر کنیم. آیا حاضریم برای همه آدم هایی که از کوک در رفته اند و ساز ناکوک می زند قدمی برداریم و **انرژی مثبت** و حال خوب را به آن ها هدیه بدهیم. ما می توانیم به عنوان کیمیاگر حال آن ها را از حال بد به حال خوب تغییر دهیم

من این همه مسافت را طی کردم که به قرار کاری ام برسم و بعد از کنسل شدن فکر کردم که چرا من بی خودی این مسیر طولانی را طی کردم بعد متوجه شدم هم که خداوند طرح و برنامه عالی برای ما در نظر گرفته است. خداوند در آن روز به من ماموریت داد که عشق و **انرژی مثبت** را به دو عزیز پیرمرد خسته دل که حال خوبی ندارند هدیه کنم و در مقابل خودم هم حال خوبی پیدا کنم.

پیشنهاد می کنم اگر شما هم این چنین صحنه هایی مشاهده کردید، وارد شوید و **انرژی مثبت** و عشق الهی را به طرفین هدیه دهید. از عظمت وجود خودتان به دیگران انرژی مثبت بدهید و با جملاتی مثل حق با شماست، من عذرخواهی می کنم عشق را به دیگران هدیه کنید. اگر طرف دعوا هم خود ما باشیم بهتر است بگوییم تسلیم و پرچم عشق، سپیدی، پاکی و صلح را بالا ببریم، شما درست می فرمایید، من به شما احترام می گذارم

مرد آن است که در کشاکش دهر سنگ زیرین آسیاب باشد

اگر می خواهیم مرد باشیم باید در کشاکش وقایع روزمره، همه چیز را به عهده بگیریم و بگوییم شما درست می فرمایید و من عذرخواهی می کنم و با یک جمله من شرمنده ام از ایجاد یک تنش و انرژی منفی که در حال ارسال شدن به جهان هستی است و حال بدی را برای همه ایجاد می کرد و خیابانی را مسدود می کند و باعث ایجاد ترافیک می شود جلوگیری می کنیم. ما می توانیم به راحتی با انتقال **انرژی مثبت** و عشق ورزیدن به دیگران جلوی این ارتعاش منفی را بگیریم

عشق بزرگترین درمانگر است، عشق در وجود من پدیدار می شود که به راحتی می توانم به دیگران تعظیم کنم و به آنها احترام بگذارم و حال خوبی به دیگران هدیه کنم. جالب اینجاست که در همان موقع که در حال آرام کردن طرفین دعوا بودم، درآمد من از حد معمول افزایش پیدا کرده بود و این لطف را هدیه خداوند به خاطر این کار خیر میدانم

تو نیکویی کن و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز

قطعاً جواب تمام خوبی ها ما به دیگران در این جهان هستی بدون پاسخ نخواهد ماند و این مسئله بارها برای من اتفاق افتاده است. مولانا چه زیبا اشاره می کند که

رقص آنجا کن که خود را بشکنی پنبه را از ریش شهوت بر کنی

رقص و جولان بر سر میدان کنند رقص اندر خون خود مردان کنند

چون رهند از دست خود دستی زنند چون جهند از نقص خود رقصی کنند

وقتی من از غرور و تکبر فاصله می گیرم و خودم را می شکنم آن موقع است که حس و حال خوبی در من ایجاد می شود و شادی و پایکوبی می کنم. و به قول حضرت سعدی

مطرب عشق عجب ساز و نوایی دارد نقش هر نغمه که زد راه به جایی دارد

عالم از ناله عشاق مبادا خالی که خوش آهنگ و فرح بخش هوایی دارد

پیر دردی کش ما گر چه ندارد زر و زور خوش عطابخش و خطاپوش خدایی دارد

پس بیاییم اگر در خیابان و اطراف مان شاهد دعوا و مشاجره هایی بودیم، ساطع کننده عشق و صلح، آرامش و **انرژی مثبت** باشیم. ما می توانیم به واسطه عظمت وجودمان به دیگران احترام بگذاریم و بگوییم بله حق با شماست و شما درست می گوید. تعظیم کردن و احترام گذاشتن نه تنها چیزی از ما کم نمی کند بلکه حس و حال خوبی هم در ما ایجاد می کند.

امیدوارم بتوانیم این منش را بارها و بارها تمرین کنیم تا بتوانیم از دیگران به راحتی عذرخواهی کنیم. باور کنید وقتی ما کوک نیستم با کوک کردن دیگران و ایجاد حال خوب و **انرژی مثبت** در آنها خودمان هم حال بهتری پیدا می کنیم و برکت، ثروت و فراوانی در زندگی ما جاری خواهد شد.